

مربیان بزرگ مسلمان

(تلخیص جلد ۱-۵ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت)

بهرروز رفیعی

زمستان ۱۳۹۲

رفیعی، بهروز، ۱۳۳۶-
مربیان بزرگ مسلمان؛ تلخیص جلد ۱- ۵ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت/ بهروز
رفیعی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۲.
شانزده، ۳۲۳ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۶۸. علوم تربیتی؛ ۳۲) (سازمان مطالعه و
تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۵۹۳. علوم تربیتی؛ ۱۰۸)
ISBN: 978-600-5486-83-4
بها: ۸۵۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۳۱۱]-۳۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. اسلام و آموزش و پرورش - فلسفه. ۳. دانشمندان اسلامی
- نظریه درباره آموزش و پرورش. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان سمت. ج. عنوان.
۱۳۹۲ ۷ ۱۸ / ۲۳۰ BP ۲۹۷ / ۴۸۳۷
شماره کتابشناسی ملی ۲۷۸۲۲۶۸



مربیان بزرگ مسلمان

(تلخیص جلد ۱- ۵ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت)

تلخیص: بهروز رفیعی (brafice@rihu.ac.ir)

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)»

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
تلفن: ۴۴۲۴۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir



اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان براساس ایمان به خدا تکیه می‌کند... اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سایر شئون زندگی بشر وارد شود پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود.

صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۱۰

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پنجاه و سومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب مریان بزرگ مسلمان (تلخیص جلد ۱-۵ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان متن آموزشی درس «سیر آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت» و یکی از منابع درس «تعلیم و تربیت اسلامی» و در مقطع دکترا به عنوان یکی از منابع درس «مریان بزرگ» تدوین شده است. امید است سایر دانشجویان، طلاب و دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود ما را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند. در پایان لازم می‌دانیم از گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه پدیدآورنده اثر جناب آقای بهروز رفیعی تشکر و سپاسگذاری نماییم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سازمان سمت

چهار

فهرست مطالب

۱	دیباچه
۱	سخنی بادانشجوی عزیز
۴	پیشنهادی چند برای یادگیری بهتر و آسان تر
۵	اهداف کلی کتاب
۷	فصل اول: جاحظ (حدود ۱۶۰-۲۵۵ه.ق)
۷	زندگی و آثار
۸	آرای تربیتی جاحظ
۸	مبانی فلسفی
۸	انسان
۸	ویژگی های انسان
۹	شناخت
۱۰	اخلاق
۱۱	تعلیم و تربیت
۱۱	تعریف تربیت
۱۲	اهداف تربیت
۱۲	اصول تربیت
۱۳	عوامل تربیت
۱۴	مواد آموزشی
۱۴	آداب دانش آموزی
۱۶	روش های تربیت

۱۸	خلاصه فصل
۱۸	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۰	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره جاحظ
۲۱	فصل دوم: ابن سحنون (۲۰۲-۲۵۶ه.ق)
۲۱	زندگی و آثار
۲۳	اهداف تربیت
۲۴	اصول تربیت
۲۴	مواد آموزشی
۲۵	حقوق و تکالیف معلم
۲۹	خلاصه فصل
۲۹	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۳۰	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره ابن سحنون
۳۱	فصل سوم: فارابی (۲۶۰-۳۳۹ه.ق)
۳۱	زندگی و آثار
۳۲	آرای تربیتی فارابی
۳۲	مبانی فلسفی
۳۲	جهان
۳۳	انسان
۳۵	شناخت
۳۶	اخلاق
۳۸	اجتماع
۴۰	تعلیم و تربیت
۴۰	تعریف تربیت و تعلیم
۴۰	امکان و ضرورت تربیت
۴۱	اهداف تربیت
۴۲	اصول تربیت
۴۳	عوامل تربیت
۴۳	مواد آموزشی
۴۴	روش‌های تربیت
۴۶	خلاصه فصل

۴۶	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۴۷	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره فارابی
۴۹	فصل چهارم: قابسی (۳۲۴-۴۰۳ ه.ق)
۴۹	زندگی و آثار
۵۱	اهداف تربیت
۵۲	اصول تربیت
۵۳	عوامل تربیت
۵۴	مواد آموزشی
۵۵	روش‌های تربیت
۵۷	خلاصه فصل
۵۷	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۵۸	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره قابسی
۵۹	فصل پنجم: اخوان الصفا (قرن چهارم ه.ق)
۵۹	تاریخچه و آثار
۶۱	آرای تربیتی اخوان الصفا
۶۱	مبانی فلسفی
۶۱	انسان
۶۳	شناخت
۶۵	اخلاق
۶۷	تعلیم و تربیت
۶۷	تعریف تعلیم و تعلم
۶۷	امکان و ضرورت تربیت
۶۸	اهداف تربیت
۷۰	اصول تربیت
۷۱	عوامل تربیت
۷۴	مواد آموزشی
۷۶	روش‌های تربیت
۷۸	خلاصه فصل
۷۸	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۷۹	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره گروه اخوان الصفا

۸۱	فصل ششم: مسکویه (حدود ۳۲۵-۴۲۱ ه.ق)
۸۱	زندگی و آثار
۸۲	آرای تربیتی مسکویه
۸۲	مبانی فلسفی
۸۲	انسان
۸۴	شناخت
۸۶	اخلاق
۸۷	تعلیم و تربیت
۸۸	تعریف تربیت
۸۸	امکان و ضرورت تربیت
۸۹	اهداف تربیت
۹۰	اصول تربیت
۹۱	مراحل تربیت
۹۲	عوامل تربیت
۹۳	حوزه‌های تربیت
۹۵	روش‌های تربیت
۹۷	خلاصه فصل
۹۷	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۹۸	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره مسکویه
۹۹	فصل هفتم: ابن سینا (حدود ۳۷۰-۴۲۸ ه.ق)
۹۹	زندگی و آثار
۱۰۰	آرای تربیتی ابن سینا
۱۰۰	مبانی فلسفی
۱۰۰	انسان
۱۰۳	شناخت
۱۰۴	اخلاق
۱۰۶	تعلیم و تربیت
۱۰۶	تعریف تربیت
۱۰۶	امکان و ضرورت تربیت
۱۰۷	اهداف تربیت
۱۰۷	اصول تربیت
۱۰۸	مراحل رشد و تربیت

۱۰۹	عوامل تربیت
۱۱۰	مواد آموزشی
۱۱۱	حوزه‌های تربیت
۱۱۳	روش‌های تربیت
۱۱۵	خلاصه فصل
۱۱۵	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۱۱۶	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره بوعلی
۱۱۷	فصل هشتم: غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق)
۱۱۷	زندگی و آثار
۱۱۸	آرای تربیتی غزالی
۱۱۸	مبانی فلسفی
۱۱۸	انسان
۱۱۸	شناخت
۱۱۹	اخلاق
۱۲۰	تعلیم و تربیت
۱۲۱	تعریف تربیت
۱۲۲	امکان و حد تربیت
۱۲۲	ضرورت تربیت
۱۲۳	اهداف تربیت
۱۲۴	الف) هدف‌های شناختی
۱۲۵	ب) هدف‌های صفاتی
۱۲۵	ج) هدف‌های رفتاری
۱۲۶	د) هدف‌های جزئی
۱۲۶	اصول تربیت
۱۲۹	عوامل تربیت
۱۳۶	مواد آموزشی
۱۳۷	حوزه‌های تربیت
۱۴۱	روش‌های تربیت
۱۴۴	خلاصه فصل
۱۴۴	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۱۴۵	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره غزالی

۱۴۷	فصل نهم: شیخ اشراق (۵۴۹-۵۸۷ ه.ق)
۱۴۷	زندگی و آثار
۱۴۸	آرای تربیتی شیخ اشراق
۱۴۸	مبانی فلسفی
۱۴۸	انسان
۱۴۹	شناخت
۱۵۲	اخلاق
۱۵۳	تعلیم و تربیت
۱۵۴	تعریف تربیت
۱۵۴	امکان و ضرورت تربیت
۱۵۴	اهداف تربیت
۱۵۵	اصول تربیت
۱۵۶	عوامل تربیت
۱۵۷	مواد آموزشی
۱۵۷	حوزه‌های تربیت
۱۶۱	روش‌های تربیت
۱۶۰	خلاصه فصل
۱۶۰	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۱۶۱	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره شیخ اشراق
۱۶۳	فصل دهم: خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۳ ه.ق)
۱۶۳	زندگی و آثار
۱۶۴	آرای تربیتی خواجه نصیر
۱۶۴	مبانی فلسفی
۱۶۴	انسان
۱۶۵	شناخت
۱۶۷	اخلاق
۱۶۸	تعلیم و تربیت
۱۶۸	امکان و ضرورت تربیت
۱۶۹	اهداف تربیت
۱۶۹	اصول تربیت
۱۷۲	مراحل تربیت
۱۷۳	عوامل تربیت

۱۷۶	مواد آموزشی
۱۷۷	حوزه‌های تربیت
۱۸۰	روش‌های تربیت
۱۸۳	خلاصه فصل
۱۸۳	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۱۸۴	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره خواجه نصیرالدین طوسی
۱۸۵	فصل یازدهم: مولوی (۶۰۴-۶۷۲ ه.ق)
۱۸۵	زندگی و آثار
۱۸۷	آرای تربیتی مولوی
۱۸۷	مبانی فلسفی
۱۸۷	انسان
۱۸۸	شناخت
۱۸۹	اخلاق
۱۹۰	تعلیم و تربیت
۱۹۰	اهداف تربیت
۱۹۱	اصول تربیت
۱۹۳	عوامل تربیت
۱۹۵	مواد آموزشی
۱۹۶	روش‌های تربیت
۱۹۹	خلاصه فصل
۱۹۹	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۰۰	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره مولوی
۲۰۱	فصل دوازدهم: سعدی (۶۰۶-۶۹۰ ه.ق)
۲۰۱	زندگی و آثار
۲۰۲	آرای تربیتی سعدی
۲۰۲	مبانی فلسفی
۲۰۲	انسان
۲۰۲	اخلاق
۲۰۳	تعلیم و تربیت
۲۰۴	امکان و ضرورت تربیت
۲۰۴	اهداف تربیت

۲۰۶		اصول تربیت
۲۰۷		مراحل تربیت
۲۰۸		عوامل تربیت
۲۱۰		حوزه‌های تربیت
۲۱۱		روش‌های تربیت
۲۱۴		خلاصه فصل
۲۱۴		پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۱۵		منابعی برای مطالعه بیشتر درباره سعدی
۲۱۷		فصل سیزدهم: ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ه.ق)
۲۱۷		زندگی و آثار
۲۱۹		آرای تربیتی ابن خلدون
۲۱۹		مبانی فلسفی
۲۱۹		انسان
۲۲۰		تعلیم و تربیت
۲۲۰		آموزش از نگاه ابن خلدون
۲۲۲		اهداف تربیت
۲۲۲		اصول تربیت
۲۲۴		عوامل تربیت
۲۲۵		مواد آموزشی
۲۲۶		حوزه‌های تربیت
۲۲۷		روش‌های تربیت
۲۲۸		خلاصه فصل
۲۲۸		پرسش‌های برای بحث و گفتگو
۲۲۹		منابعی برای مطالعه بیشتر درباره ابن خلدون
۲۳۱		فصل چهاردهم: شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵ ه.ق)
۲۳۱		زندگی و آثار
۲۳۲		آرای تربیتی شهید ثانی
۲۳۳		تعلیم و تربیت
۲۳۳		مفهوم تربیت
۲۳۴		اهمیت و ضرورت تربیت
۲۳۵		اهداف تربیت

۲۳۶		اصول تربیت
۲۴۰		عوامل تربیت
۲۴۲		الف) وظایف معلم نسبت به خود
۲۴۳		ب) وظایف معلم نسبت به شاگردان
۲۴۴		ج) وظایف معلم در تدریس و جلسه درس
۲۴۵		موضوع تربیت (شاگرد)
۲۴۶		الف) آداب و وظایف شاگرد نسبت به خود
۲۴۶		ب) آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم
۲۴۷		ج) آداب و وظایف شاگرد در درس
۲۴۹		خلاصه فصل
۲۴۹		پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۵۰		منابعی برای مطالعه بیشتر درباره شهید ثانی
۲۵۱		فصل پانزدهم: فیض کاشانی (۱۰۷۰-۱۰۹۱ ه.ق)
۲۵۱		زندگی و آثار
۲۵۲		آرای تربیتی فیض کاشانی
۲۵۲		مبانی فلسفی
۲۵۲		انسان
۲۵۳		شناخت
۲۵۴		اخلاق
۲۵۴		تعلیم و تربیت
۲۵۵		امکان تربیت
۲۵۵		اهداف تربیت
۲۵۵		اصول تربیت
۲۵۷		عوامل تربیت
۲۵۸		حوزه‌های تربیت
۲۶۲		روش‌های تربیت
۲۶۴		خلاصه فصل
۲۶۴		پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۶۵		منابعی برای مطالعه بیشتر درباره فیض کاشانی
۲۶۷		فصل شانزدهم: مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه.ق)
۲۶۷		زندگی و آثار

۲۶۸	آرای تربیتی علامه مجلسی
۲۶۸	مبانی فلسفی
۲۶۸	جهان
۲۶۹	انسان
۲۶۹	اخلاق
۲۶۹	تعلیم و تربیت
۲۶۹	اهداف تربیت
۲۷۰	اصول تربیت
۲۷۱	روش‌های تربیت
۲۷۳	خلاصه فصل
۲۷۳	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۷۴	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره علامه مجلسی
۲۷۵	فصل هفدهم: ملامهدی نراقی (۱۱۲۸؟-۱۲۰۹ه.ق)
۲۷۵	زندگی و آثار
۲۷۶	آرای تربیتی محقق نراقی
۲۷۶	مبانی فلسفی
۲۷۶	انسان
۲۷۷	اخلاق
۲۷۷	تعلیم و تربیت
۲۷۸	امکان و ضرورت تربیت
۲۷۸	اهداف تربیت
۲۷۹	اصول تربیت
۲۸۰	مراحل تربیت
۲۸۰	عوامل تربیت
۲۸۲	روش‌های تربیت
۲۸۴	خلاصه فصل
۲۸۴	پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۲۸۵	منابعی برای مطالعه بیشتر درباره ملامهدی نراقی
۲۸۷	فصل هجدهم: شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ه.ش)
۲۸۷	زندگی و آثار
۲۸۸	آرای تربیتی شهید مطهری

۲۸۸	 مبانی فلسفی
۲۸۸	 انسان
۲۸۹	 شناخت
۲۹۰	 اخلاق
۲۹۱	 تعلیم و تربیت
۲۹۲	 تعریف تربیت
۲۹۳	 نسبت فطرت با تربیت
۲۹۳	 امکان و ضرورت تربیت
۲۹۴	 اهداف تربیت
۲۹۵	 اصول تربیت
۲۹۷	 مراحل تربیت
۲۹۸	 عوامل تربیت
۳۰۲	 مواد آموزشی
۳۰۳	 حوزه‌های تربیت
۳۰۴	 روش‌های تربیت
۳۰۷	 خلاصه فصل
۳۰۷	 پرسش‌هایی برای بحث و گفتگو
۳۰۹	 منابعی برای مطالعه بیشتر درباره شهید مطهری
۳۱۱	 منابع و مآخذ
۳۱۷	 نمایه آیات و روایات
۳۱۸	 نمایه اشخاص
۳۲۰	 نمایه کتاب‌ها
۳۲۳	 نمایه مکان‌ها

دیباچه

سخنی با دانشجوی عزیز

۱. اسلام سرشتی دانشی و دانش‌شکار و دانش‌پرور دارد و در پی فرگشت انسان در دو سراسر است و به اعتبار چنین خواستی است که برای آموزش و پرورش، سهم و ارزشی ویژه می‌شناسد و پیامبرش صلاهی: «پروردگارا مرا دانش بیفزا» سرمی‌دهد و دانشمندان را وارثان رسولان می‌خواند و دانش‌جویی را بر زن و مرد مسلمان واجب می‌شمارد و دستورشان می‌دهد از گهواره تا گور دانش بجویند و در پی دانش، حتی تا چین بپویند. در دامن چنین فرهنگی است که در کمتر از قرن، پایه‌های نظام تعلیم و تربیتی پا گرفت که قرن‌ها یک‌تاز میدان تعلیم و تربیت بود و توانست چنان فرهنگی بار آورد که در آینده از جان‌مایه‌های اصلی نوزایی در اروپا شد. این سامانه تربیتی از جمله خاستگاه مربیانی بزرگ و تربیت‌پژوهانی ژرف‌کاو شد که توانستند این نظام را به بهترین گونه به‌آیین دارند و در شرح و شکافت آن قلم ساینند و آثاری برجای نهند که امروزه از فخرمایه‌های تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت در جهان اسلام بشماردند.

۲. کتاب پیش رو پرداخته شده است تا از نگرش‌های تربیتی شماری از دانشمندان بزرگ مسلمان از قرن دوم تا کنون غبار غربت برگیرد و از سویی معلوم دارد که فراوانی از عالمان مسلمان از همان سده‌های نخستین اسلام اندیشه‌های تربیتی بس‌سخته و پخته داشته و تربیت‌پژوهی کرده‌اند و گنجواره‌ای گرانبار در تعلیم و تربیت از خود به یادگار نهاده‌اند که شایسته است امروزه موضوع درس و گفت و گفتار علمی شود، و از دگر سوی، دست‌مایه‌ای شود نمونه‌وار فراروی شما دانشجوی عزیز تا در آینده، این بار علمی بر

زمین مانده را به همت و غیرت علمی خویش بیش از پیش بردارید و از جمله روشن سازید که پاره‌ای از غربیان دست‌کم بی‌خبر، تا چه مایه‌گرافه بافته و ترهات تافته‌اند که گفته‌اند مسلمانان در بند تربیت فرزند نبوده‌اند و در ادبیات قرآنی و روایی آنان چنان و چندان که باید به تعلیم و تربیت پرداخته نشده است و آنچه در این زمینه در فرهنگ نوشتاری آنان یافتنی است، بار و بر قلم‌فرسایی ترسایان عرب است نه عالمان مسلمان (به نقل از: اهوani، ۱۹۸۳، ص ۲۴۵؛ Carra de Vaux, 1909, p.149).

۳. بجاست پیش از مطالعه این اثر به چند نکته عنایت کنید:

۱. مطالب کتاب در هجده فصل گنجانده و هر فصل برای پی‌کاوی آرا و فلسفه تربیتی یکی از مربیان بزرگ مسلمان نهاده شده است و از این رهگذر به مبانی فلسفی (انسان، شناخت، اخلاق)، تعریف، امکان، ضرورت، اهداف، اصول، عوامل، مراحل، مواد و برنامه درسی، روش‌ها، حوزه‌های تعلیم و تربیت در کنار اشارتی کوتاه به زندگی و آثار هجده تن از بزرگان ایران و اسلام پرداخته شده است؛

۲. هدف از این نگارش و پردازش، از سویی افزایش و ژرفایش آگاهی‌ها و مهارت‌ها و نگرش‌های خواننده نسبت به آرا و فلسفه تعلیم و تربیت شماری از مربیان بزرگ مسلمان، و از سوی دیگر، پرورش اطلاعات و توانایی‌های ذهنی و علمی و نگرش‌های تربیتی اوست؛

۳. تلاش شده است محتوای فصول کتاب چنان پرداخته شود که میان آنها بازبستگی و ارتباط منطقی برقرار باشد و هر فصل در عین استقلال، از منظر درون‌مایه و پیرنگ و ساختار با دیگر فصول همپوشی داشته باشد، از این‌رو عنوان‌های اصلی و فرعی فصول، آن‌مایه که می‌شد، یکسان افتاده است؛

۴. در آغاز کتاب به اهداف کلی کتاب اشاره شده، نیز در آغاز هر فصل از هدف‌های کلی آن فصل یاد شده است. هدف از این کار آشنایی دانشجویان با انتظارات آموزشی کتاب است؛

۵. در فرجام هر فصل چکیده‌ای از آن فصل آورده شده است؛

۶. پس از هر چکیده، برای مشارکت فعالانه دانشجویان در امر یادگیری و پرورش مهارت‌های تفکر در آنها، مجموعه‌ای از فعالیت‌های یادگیری با عنوان پرسش‌هایی

برای بحث و گفتگو آورده شده است که برگرفته از مهم‌ترین نکات هر فصل و ناظر بر اهداف آموزشی آن است؛

۷. فرجامین فراز هر فصل معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر است. مطالعه این آثار می‌تواند در آشنایی بیشتر با ویژگی‌های شخصیت معرفی شده در هر فصل سودمند افتد. گفتنی است که همه منابع آورده شده به‌الزام درباره آرای تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت مربی و دانشمند مطرح شده در هر فصل نیست.

۸. مباحث شماری از فصول این اثر گاه با دیگر فصول آن لختی ناهماهنگ می‌نماید. برای مثال در برخی از فصول به یک یا چند عنوان از عناوینی که در دیگر فصول آمده اشاره نشده است. معمولاً آبشخور این کاستی، نپرداختن برخی از دانشمندان به پاره‌ای از مسائل و یا در کف نبودن نگاشته‌ای از آنهاست که با استناد بدان، به آن عنوان یا عناوین از نگاه آنها دست یافته و پرداخته شود. برای نمونه اگر در فصل سوم و نهم از مراحل تربیت یاد نشده، از آن‌روست که فارابی و شیخ اشراق به این امر نپرداخته‌اند؛ نیز در فصل دوم و چهارم که از مبانی فلسفی اندیشه‌های تربیتی ابن‌سحنون و قابسی سخنی در میان نیست؛ بدان‌روست که از این دو دانشمند بزرگ هیچ کتابی در دست نیست که بتوان با استناد به آن، مبانی یادشده را از نگاه آنان برگرفت و بررسی کرد و بازگفت؛

۹. شرح و شکافت زندگی و آثار مریبان یادشده بسیار کوتاه برگزار گشته است. نیز در بازشکافت مبانی فلسفی اندیشه‌های تربیتی آنان به اندکی از بسیار بسنده شده است؛ این از آن‌روست که پیش از این از زندگی و آثار و مبانی انسان‌شناخت و معرفت‌شناخت و اخلاق‌شناخت این عالمان فراوان سخن رفته است، وانگهی گنجایش گفت و گفتار ما باز و بسطی بیش از این را برنمی‌تافت.

۴. این اثر، تلخیص مجموعه پنج‌جلدی آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (۱۳۷۷-۱۳۸۷) تألیف آقایان: دکتر محمد بهشتی، دکتر علی‌نقی فقیهی، حجة الاسلام مهدی ابوجعفری، دکتر محمد فتح‌علی‌خانی، دکتر علیرضا فصیحی‌زاده، بهروز رفیعی است که پیش از این و با حجمی نزدیک به ۱۸۰۰ صفحه وزیری، به همّت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ و منتشر شده است. همچنین آرای تربیتی شهید ثانی و شهید مطهری به آن افزوده شده است.

پیشنهادهای چند برای یادگیری بهتر و آسان تر

۱. مطالعه پیش از درس و تدریس استاد را فراموش نکنید تا از این رهگذر دریابید که در درس، سخن بر سر چیست؛
۲. در یادگیری، فعالانه شرکت جویید، به این ترتیب که در درس، تنها شنونده‌ای نیک نباشید بلکه پرسنده‌ای هوشیار نیز باشید تا استاد را در تدریس به وجد آورید. همیشه از داشتن فضای آموزشی مرده که در آن، استاد می‌گوید و شاگرد، نگاه می‌کند و به همه چیز می‌اندیشد مگر آنچه استاد می‌خواهد، به‌راستی پروا کنید؛
۳. اهداف کلی کتاب را مطالعه کنید. این هدف‌ها ناظر بر انتظارات آموزشی و فعالیت‌های یادگیری در این کتاب است و مطالعه آنها می‌تواند شما را کمابیش رهنمون دهد که در این کتاب باید در پی چه باشید؛
۴. هدف‌های کلی هر فصل را مطالعه کنید تا از انتظارات آموزشی آن آگاه شوید؛
۵. پیش از مطالعه جدی و از سر تأمل هر فصل، آن فصل را سردستی و گذرا مطالعه کنید تا شمای کلی از بحث در ذهنتان جان بگیرد؛
۶. چکیده هر فصل را که ناظر بر جنبه‌های کلیدی فصل است به دقت مطالعه کنید؛
۷. پس از درس استاد، در نخستین فرصت فراهم آمده، به مطالعه درس روز بپردازید تا آنچه را در محیط آموزشی به خاطر سپارده‌اید از یاد نبرید؛
۸. آنچه را آموخته‌اید با دوستان تحصیلی خود مباحثه کنید. این کار در یادگیری عمیق و ماندگار بسیار کارساز است؛
۹. برای عینیت بخشیدن به فعالیت‌های یادگیری شما، پرسش‌هایی چند در پایان هر فصل آورده شده است؛ بکوشید به آنها پاسخ دهید. جا دارد برای یادگیری بیشتر و بهتر با دوستانتان و به صورت گروهی به این کار بپردازید؛
۱۰. مناسب است بحث‌های خاص تربیتی هر فصل را گرد آورید و جداگانه مطالعه کنید چه هم در تدوین مقالات علمی به کارتان می‌آیند و هم در تعاملات تربیتی شما مؤثر می‌افتند و هم به سادگی از یاد نمی‌روند.

قم - بهروز رفیعی

۱۳۹۱/۰۴/۱۰

اهداف کلی کتاب

۱. آشنایی اجمالی با زندگی و آثار شماری از مربیان بزرگ مسلمان
۲. آشنایی با مبانی فلسفی نگرش‌های تربیتی گروهی از مربیان بزرگ مسلمان
۳. آشنایی با نگرش برخی از مربیان بزرگ مسلمان به مؤلفه‌های مهم تعلیم و تربیت (تعریف، امکان، ضرورت، اهداف، اصول، عوامل، مراحل، حوزه‌ها، روش‌ها)
۴. توانایی درک و بیان مفاهیم تربیتی ره‌یافته در آثار مربیان بزرگ مسلمان
۵. دستیابی به توانایی تطبیق و مقایسه آرای تربیتی مربیان بزرگ مسلمان با آرای تربیتی دیگر مربیان بزرگ جهان در گذشته و حال
۶. آشنایی با سیر تحول اندیشه‌های تربیتی در میان مربیان بزرگ مسلمان
۷. پرورش بینش تربیتی از رهگذر آشنایی با دیدگاه‌های تربیتی مربیان بزرگ مسلمان
۸. پرورش مهارت پژوهش در حوزه آرای تربیتی مربیان بزرگ مسلمان

فصل اول

جاحظ^۱ (حدود ۱۶۰-۲۵۵ ه.ق)

اهداف کلی فصل:

۱. آشنایی با شخصیت و آثار جاحظ
۲. آشنایی با مبانی فلسفی تربیت از نگاه جاحظ
۳. آشنایی با مؤلفه‌های بنیادین آرای تربیتی جاحظ
۴. توانایی انجام دادن فعالیت‌های یادگیری

زندگی و آثار

زندگی: ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب بصری معروف به جاحظ در خانواده‌ای فقیر در شهر بصره و در عصر خلافت مهدی عباسی زاده شد. جاحظ سیمایی زشت (جاحظ = کسی که چشمانش برآمده و از حدقه بیرون زده است) و استعداد و پشتکاری شگفت داشت و سخت دلبسته کتاب و عاشق مطالعه بود، از این رو گاه شب‌ها دکانی را از صحافی اجاره می‌کرد در آن می‌ماند و تا بامداد مطالعه می‌کرد.

موضوع مطالعات جاحظ، گسترده و چنین بوده است: فلسفه، فقه، کلام، تفسیر، هیأت، لغت، رجال، علوم قرآنی، صرف و نحو و بلاغت، شعر عرب، تاریخ، ملل و نحل.... وی گذشته از مطالعات نظری، به پژوهش‌های تجربی و عملی و فعالیت‌های میدانی هم علاقه‌مند بود و به مطالعه گروه‌ها و طبقات جامعه و زندگی جانوران و گیاهان می‌پرداخت و مشاهدات خود را ثبت می‌کرد که نمونه‌هایی از آنها در کتاب *الحيوان* او به یادگار مانده است. سبک ادبی ویژه و نثر ممتاز، آزاداندیشی، استفاده گسترده از ادبیات داستانی، علاقه به مشاهده و تجربه عملی، اعتقاد به سازواری میان دین و فلسفه، شجاعت علمی، کثرت تألیف، صراحت لهجه، تیزبینی اجتماعی، گرایش کلامی خاص از دیگر ویژگی‌های

۱. تلخیص بخش اول جلد نخست کتاب آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تألیف علیرضا فصیحی زاده.

شخصیت علمی جاحظ است که از وی شخصیتی برجسته و ماندگار در تاریخ فرهنگ اسلامی به نمایش گذاشته است. آثار: نوشته‌های جاحظ پرشمار و مشهورترین آنها عبارت است از: الحيوان، البيان والتبيين، البخلا، الترييع والتدوير.

آرای تربیتی جاحظ

مبانی فلسفی

انسان

جاحظ، بارها در آثارش به انسان می‌پردازد و از برتری او نسبت به دیگر آفریدگان می‌گوید.

ویژگی‌های انسان

- شماره‌ای از ویژگی‌هایی که جاحظ برای انسان برشمارده است، عبارت‌اند از:
 ۱. خردورزی: آنچه انسان را بر دیگر جانداران برتری می‌بخشد قدرت تعقل و شناختی است که در او نهاده شده است. عقل در انسان نه تنها عامل برتری او بل منشأ قدرت و موجب تمایز وی از دیگر جانداران است. آدمی به یمن عقل است که نیک را از بد و سود را از زیان بازمی‌شناسد و از قدرت انتخاب برخوردار است.^۱
 ۲. برتری جویی و راحت‌طلبی: انسان را چنان سرشته‌اند که از سویی برتری جوی است و هیچ لذتی برای او فراتر از آن نیست که بر دیگران چیره شود، و از سویی دیگر راحت‌طلب است و به لذات حسی، دل خوش دارد.
 ۳. تنوع‌طلبی: انسان طبعاً در پی دستیابی به چیزی است که ندارد؛ اما چون آن را به دست آورد، رفته‌رفته از آن دلزده می‌شود و در پی خواستنی‌های دیگر برمی‌آید.
 ۴. اجتماعی بودن: انسان‌ها به مقتضای سرشت خویش به یکدیگر نیاز دارند. این نیاز موجب می‌شود انسان‌ها به زندگی جمعی روی آورند و یکدیگر را به خدمت گیرند.
 ۵. شرور بودن: طبیعت انسان بر شر است؛ چنانچه به حال خود رها شود به شر و بدی می‌گراید. اگر خداوند انسان را با تمایلات غریزی واگذارد، از آنها پیروی می‌کند و به امر و نهی الهی گردن نمی‌نهد.

۱. جاحظ، الحيوان، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۸.

۶. سودگرایی و زیان‌گریزی: این دو ویژگی سرشتی انسان، بر همه رفتار او مؤثر است. چگونگی این دو ویژگی در همگان یکسان نیست، بلکه شدت و ضعف دارد.

۷. حقیقت‌جویی و میل به اظهار دانش: انسان به‌طور سرشتی حقیقت‌جو و خواستار کسب دانش و حرفه است. وانگهی عالمان از بیان دانش لذت بسیار می‌برند. جاحظ حکمت وجود این ویژگی را در انسان، در مجموع انتقال دانش و تجربه و معارف از نسلی به نسل‌های دیگر می‌داند.

شناخت

جاحظ با توجه به دانش روزگار خویش درباره حقیقت شناختی که از راه حواسی چون بینایی و شنوایی حاصل می‌شود اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، اما از همین سخن او برمی‌آید که وی به مقوله شناخت و چگونگی حصول آن توجه داشته و درباره آن می‌اندیشیده است.

ابزار شناخت: از نگاه جاحظ ابزار شناخت عبارت‌اند از: حواس، عقل، وحی، الهام:

الف) حس: جاحظ حواس پنج‌گانه را از ابزار شناخت می‌داند و در شرح این ابزار می‌افزاید: اولاً حواس خطاپذیرند و مثلاً چشم، گاه در تشخیص آنچه می‌بیند خطا می‌کند. از این‌رو وی رسیدن به واقعیت‌های شناختی را تنها به یاری عقل ممکن می‌داند و می‌گوید ملاک تعیین صحت و سقم دریافت‌های حواس، حکم عقل است؛ ثانیاً میان حس و محسوس سنخیت وجود دارد و با هر حسی هر محسوسی را نمی‌توان شناخت؛ ثالثاً، مشارکت چند حس در شناخت ابعاد گوناگون هر امر محسوس، موجب افزایش کمی و کیفی ادراک می‌شود. یعنی برای مثال اگر چشم و گوش، هر دو در ادراک امری دخالت کنند، ادراک به مراتب قوی‌تر از زمانی است که تنها یکی از این دو حس در امر شناخت دخالت جوید.

ب) عقل: جاحظ عقل را مهم‌ترین ابزار شناخت شمرده و حتی ارزش شناخت حسی را هم تابع تأیید عقل دانسته و اشاره کرده است که حواس، راویانی در خدمت عقل‌اند. شناخت معلول از راه شناخت علت، پی بردن به مفهوم واجب و ممکن، شناخت مفاهیم متضاد و مشابه از جمله موارد شناخت عقلانی است که جاحظ به آنها پرداخته است.

ج) وحی و الهام: جاحظ این وسیله را از ابزارهای نادر و نامتعارف شناخت می‌داند و معارف پیامبران را از جمله معارف و حیانی می‌شمارد و برای نمونه، سخن گفتن عیسی علیه السلام

در رحم مادر و زیرکی یحیی علیه السلام در کودکی را نه حاصل تجربه و حس و تعقل، بلکه حاصل وحی و الهام می‌داند.

(د) شک: جاحظ مقوله معرفتی شک دستوری را می‌ستاید و آن را مقدمه یقین می‌شمارد. او معتقد است که شک کردن نه تنها عیب نیست، که فضیلت است و از قضا خواص بیش از عوام در امور شک می‌کنند. جاحظ اعتقاد دارد که معارف و عقاید و داوری‌ها و اعمال انسان از نوع شناخت او متأثر است و انسان جهان را آن‌گونه می‌بیند که شناخت او اقتضا می‌کند و هرچه این شناخت گسترده‌تر، شفاف‌تر و متنوع‌تر باشد، نگرش انسان به امور، گسترده‌تر و شفاف‌تر و متنوع‌تر خواهد بود. وی شک را واسطه میان باور نادرست و درست می‌داند.^۱

موانع شناخت: جاحظ اموری چون خطا در حس، تک‌بعدنگری و تنگ‌نظری و محدود بودن در حیطه اندیشه‌ای خاص و برخی از ویژگی‌های اخلاقی ناپسند چون خودخواهی را از موانع شناخت برمی‌شمارد.

اخلاق

نسبیت اخلاق: جاحظ اخلاق را بسیار مهم و آن را معیار سنجش برتری افراد و طبقات و ملت‌ها نسبت به یکدیگر می‌داند، با این حال وی اشاره می‌کند که اخلاق، امری نسبی است، یعنی رسیدن به کمال مطلق ناممکن است، و نمی‌توان فرد یا گروهی را یافت که به همه صفات اخلاقی پسندیده آراسته و از همه ویژگی‌های اخلاقی نکوهیده، پیراسته باشد.

تغییرپذیری اخلاق: اخلاق، هم نسبی است (به معنایی که گذشت) و هم تغییرپذیر؛ به دیگر سخن، انسان می‌تواند حتی با گرایش‌های سرشتی خود چون میل به غذا و جنس مخالف، مخالفت ورزد و این امیال را مهار کند. جاحظ تأکید می‌کند که اگر کسی گمان برد انسان نمی‌تواند صفات اخلاقی خویش را دگرگون سازد و او را مقهور تمایلاتش بدانند، ناگزیر فاسقان و گمراهان را تبرئه کرده است.

اخلاق طبع ثانوی: جاحظ صفات را هنگامی اخلاقی می‌داند که جزء شخصیت فرد گشته و با سرشت او درآمیخته و به تعبیر جاحظ، طبع وی شده باشند. او براساس این تعریف، صفات اخلاقی را به سرشتی و اکتسابی تقسیم می‌کند و اولی را طبع اولی و دومی را طبع ثانوی می‌خواند.^۲

۲. جاحظ، رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۷۶.

۱. الحيوان، ج ۶، ص ۳۵.

ملاک فعل اخلاقی: رفتار انسان، مسبوق به طبع اولی و ثانوی اوست و چنانچه در کسی صفت اخلاقی پسندیده یا ناپسندی، سرشتی (طبع اولی) یا اکتسابی (طبع ثانوی) باشد رفتار او با آن صفت اخلاقی سازوار خواهد بود. با این حال از نظر جاحظ، رفتار انسان زمانی اخلاقی خواهد بود که گذشته از سازواری با طبع اولی یا ثانوی، از سر قصد و اختیار و شناخت رخ داده باشد، و اگر فعلی فاقد جنبه اختیاری یا معرفتی باشد، فعل اخلاقی نخواهد بود حتی اگر با طبع اولی و یا ثانوی سازوار باشد. از این رو، خداوند کسی را برای چنین فعلی نه مجازات می‌کند و نه پاداش می‌دهد.

حد وسط در اخلاق: نظام اخلاقی مورد نظر جاحظ، بر مقوله ارسطویی حد وسط نیز استوار است. جاحظ ارزش صفات اخلاقی پسندیده را در اعتدال آنها می‌داند و گرایش به افراط یا تفریط را انحراف از اعتدال و موجب زوال ارزش عمل می‌شمارد. رعایت اعتدال در اخلاق فردی و اجتماعی لازم است و خروج از اعتدال به تباهی عمل می‌انجامد.

لذت و سعادت: جاحظ در کاوش‌های اخلاقی خود، به بحث لذت و سعادت هم پرداخته است. وی لذات روحانی را به مراتب از لذات حسی برتر می‌داند. از نظر جاحظ سعادت آدمی در رسیدن به لذت‌های معنوی است، از این رو رواست برای رسیدن به سعادت (لذت‌های معنوی)، از لذت‌های حسی چشم‌پوشی شود.

تعلیم و تربیت

دیدگاه‌های تربیتی جاحظ در آثار گوناگون او پراکنده است. از او اثری که خاص تعلیم و تربیت باشد بر جای نمانده است. در رسالة فی المعلمین او هم برخلاف عنوان رساله، دربارهٔ معلمان جز چند سطر چیزی گفته نشده است. اما او بی‌گمان درباره تربیت می‌اندیشیده و در پی تربیت متریبان هم بوده است، چه در جایی تصریح می‌کند که تربیت توده مردم کاری بس دشوار است.^۱

تعریف تربیت

باری با توجه به اشارات پراکنده جاحظ شاید بتوان تربیت را از زبان او این‌گونه تعریف کرد:

۱. الحيوان، ج ۲، ص ۹۴.

تربیت عبارت است از تلاش برای بارور کردن و به فعلیت رساندن استعدادها و علایق خداداد انسان^۱ تا از این رهگذر امور دین و دنیای او به اعتدال آید.^۲

اهداف تربیت

از تعریف تربیت از نگاه جاحظ برمی آید که اصلاح امور دین و دنیا، هدفی است که در همه مراحل تربیت باید مد نظر باشد و دیگر هدف های تربیتی مسبوق به تحقق این هدف است، مثلاً فعلیت بخشیدن به استعداد های سرشتی یا ایجاد عادت های مطلوب و دور داشتن فرد از عادت های ناپسند و به دیگر سخن ایجاد طبع ثانوی مطلوب،^۳ از هدف های تربیتی است که تحققشان لازمه تحقق هدف نخست است.

اصول تربیت

۱. آموزش معطوف به استعداد و علاقه: هرکس باید به فراگیری دانشی روی آورد که نسبت به آن استعداد و علاقه دارد تا بتواند در دانش به کمال برسد.^۴

۲. توجه به تفاوت های فردی: معلم در امر آموزش، لازم است به تفاوت های فردی شاگردان توجه کند و در نظر داشته باشد که خداوند انسان ها را یکسان نیافریده است و هرکس باید آن گونه تربیت شود و به یادگیری دانش و پیشه ای هدایت گردد که مقتضای استعداد و گرایش های اوست.^۵

۳. آموزش به هنگام: باید زمینه آموزش و تربیت به موقع افراد را فراهم کرد تا استعداد های آنان برای رسیدن به کمال درخور، معطل نماند و رفته رفته ضایع نشود، درست مانند دانه در دل خاک که اگر به موقع به آن آب برسد، جوانه می زند و...؛ وگرنه تباه می شود.^۶

۴. استفاده از جوانی: بهترین زمان برای تحصیل دانش، دوره جوانی است، چه جوان از شرایط و توانایی های جسمی و روحی لازم برای تحصیل علم برخوردار است و بهتر می تواند از حواس و قوای فکری خود استفاده کند و زودتر یاد می گیرد و بهتر به خاطر می سپارد.^۷

۱. رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۵۹، ۶۳.

۲. همان، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۸۵.

۴. الحيوان، ج ۱، ص ۱۴۱.

۵. همان.

۶. رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۲۰۱.

۷. همان، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۵. آموزش مستمر: آدمی هر مایه بلندمرتبه شود از علم بی نیاز نمی شود و باید پیوسته در پی دانش باشد. یعنی آدمی هیچگاه از دانش بی نیاز نمی شود که اگر جز این بود موسی عليه السلام بی نیازی می ورزید و در پی علم تازه بر نمی آمد و نمی گفت: «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُسُلًا»^۱ پس نباید به دانش اندک بسنده کرد، چه بسیارند کسانی که چون علمشان اندک است، سینه ای ناگشوده داند.^۲

عوامل تربیت

جاحظ به شماری از عوامل مؤثر در شخصیت و تربیت افراد اشاره کرده، از آنهاست:

۱. پدر و مادر: جاحظ خانواده را نخستین محیط انسانی رشد و تربیت کودک می داند و می افزاید که پدر و مادر به لطف مهر و دلسوزی خداداد خود نسبت به فرزند، به نگهداری و تربیت او می پردازد و از این رهگذر محیط رشد و پرورش کودک فراهم می آید^۳ و جسته جسته قوای عقلی او رشد می یابد و سازوار با میزان رشد عقلی، رفتار او بهبود می پذیرد و رفته رفته به افراد بالغ شبیه می شود.^۴

۲. محیط شغلی: شغل فرد و گروه صنفی او در ویژگی های شخصیتی و اخلاق فردی و اجتماعی وی اثر می نهد و چون چنین است گفته می شود خوی و صفت مثلاً خیاطان غیر از اخلاق قصابان، و اخلاق نانویان غیر از خیاطان و قصابان... است. از نظر جاحظ هر یک از صاحبان حرف و مشاغل در ویژگی های اخلاقی و رفتار اجتماعی به همکاران خود شباهت دارند.^۵ جاحظ با ترسیم پرده ای زنده از محیط شغلی کنیزان خنیاگر، به روشنی از تأثیر محیط شغلی بر شخصیت و زیست افراد پرده برمی گرد.^۶

۳. دوست و همنشین: تأثیر دوستان و همنشینان بر یکدیگر تا بدانجاست که جاحظ اعتقاد دارد اوصاف و اخلاق هر کس به اوصاف و اخلاق دوستان و همنشینان او می ماند؛^۷ از این رو وی تأکید می کند از مجالست با ناهالان باید پرهیز کرد.^۸

۴. معلم: جاحظ بر آن است که آدمی به خودی خود نمی تواند ره به مقصود برد و بار سعادت بندد، از این رو خداوند رسولان را برای هدایت او فرستاد. نیاز مردم به معلم هم از

۱. الحیوان، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲. همان، ص ۱۹۶.

۳. جاحظ، القیان، ص ۸۳ و ۸۴.

۴. همان.

۵. کشف، ۶۶.

۶. رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۱۴۴.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

۸. رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۴۹.

همین ناتوانی سرچشمه می‌گیرد، از این‌رو است که جاحظ معلم را بسیار بزرگ می‌دارد و نیاز مردم به معلم را شدید می‌خواند و یادآوری می‌کند که معلم است که آدمی را از کودکی تربیت می‌کند،^۱ جاحظ، معلمی را وظیفه‌ای عمومی می‌داند و تأکید می‌کند که نباید کسی که دانشش اندک است، از آموزش کسانی که علمشان از او کمتر است تن‌زند.^۲

مواد آموزشی

جاحظ در توصیه‌های آموزشی خود به معتصم عباسی از او می‌خواهد از معلم فرزندانش بخواهد همه آداب و علوم را به آنان آموزش دهد.^۳ از این اشاره برمی‌آید که وی با آموزش علوم رایج در زمان خود موافق بوده است. از سویی با توجه به موضوعات مطرح شده در آثار جاحظ هم می‌توان به برخی از مواد آموزشی مورد نظر او پی برد؛ از آنهاست: تفسیر، علوم قرآنی، ادبیات عرب، شعر، تاریخ، فلسفه، ملل و نحل، فقه، اخبار و روایات، صرف و نحو و بلاغت.

جاحظ درباره آموزش برخی از مواد درسی تصریحات روشنگری دارد مثلاً معتقد است در آموزش نحو باید به اندازه نیاز بسنده کرد و از صرف وقت برای فراگیری بیش از این پرهیز نمود چراکه شاگرد را از فراگیری علوم و صناعات ضروری باز می‌دارد.^۴ یا درباره آموزش انشانویسی می‌گوید: باید ساده‌نویسی آموزش داده شود و درکنار آموزش پرداخت ادبی متن، از تکلف و تصنع در نگارش پرهیز شود.^۵

آداب دانش‌آموزی

پاره‌ای از آداب دانش‌آموزی از دید جاحظ عبارت‌اند از:

۱. متعلم باید از سر عشق به تحصیل بپردازد و در راه کسب علم از تحمل ناملازمات و هزینه مال و صرف وقت دریغ نرزد.^۶
۲. نسبت به دانش‌ها و مواد آموزشی گوناگون شناخت نسبی و اجمالی بیابد تا علوم ارزشمند را از دانش‌های کم‌ارزش بازشناسد و برای گزینش مواد درسی مورد نظر خود آمادگی پیدا کند.^۷

۱. جاحظ، البیان والتبیین، ج ۱، ص ۱۲۰؛ الحيوان، ج ۱، ص ۴۰.

۲. الحيوان، ج ۶، ص ۴۰.

۳. رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۲۶۹.

۴. جاحظ، رسالة فی المعلمین، ص ۲۶-۲۷.

۵. همان.

۶. الحيوان، ج ۱، ص ۵۵.

۷. جاحظ، التریب والتدویر، ص ۱۰۳.